

مبانی و دلایل نظارت مردم بر دولت در قانون اساسی با تأکید بر رویکرد اخلاقی

علی کاظم زاده^۱

چکیده

در نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عرصه نظارت، نظارت بر حاکمان است زیرا آثار زیان بار ناشی از ترک آن به مراتب از آثار ترک نظارت مردم بر مردم بیشتر است. بدیهی است اگر دولت را مسئول نظم عمومی بدانیم نظارت دولت نسبت به مردم اهم از شقوق دیگر نظارت می باشد. از نظر قانونی، نظارت بر دولت و دولت‌مردان تکلیف همه شهروندان بوده و همه موظف اند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را هم نسبت به کارگزاران و هم نسبت به قوانین و مقررات در صورتی که موجب تضییع حق مردم باشد انجام دهند. این آموزه‌ها بایستی توأم با تبیین دقیق مرزهای نظری و عملی آن باشد تا بتواند کارکردی بسیار مفید و مثمر ثمر به دنبال داشته باشد؛ در اسلام و جمهوری اسلامی مسئول بودن مقامات دولت، اخلاق مداری، امانتی بودن قدرت، خطا پذیری و عدم عصمت و پذیرش جمهوریت، دلایل نظارت بر قدرت، می باشند. این نظارت هیچ گونه محدودیتی در زمینه مقامات دولتی و حکومتی را نمی پذیرد، حاکم و والی و مسلمانان با همه جایگاه والایی که دارند از این نظارت مستثنی نیست؛ با این اوصاف اسلام، روش اجتماعی و قوانین خود را بر اساس اخلاق بنا کرده است و بر تربیت مردم بر اساس موازین اخلاقی اهتمام زیادی نموده است. ضمانت اجرایی قوانین را هم بر عهده تربیت اخلاقی نهاده است. این ضمانت اجرایی همانند پلیسی درونی همواره و درهمه جا در نهان، آشکار، خلوت و جلوت همراه انسان بوده و مانع خلاف و خطا می‌شود.

از جمله مبانی نظارت مردم بر دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای اصل هشتم امر به معروف و نهی از منکر است که به عنوان یکی از احکام اجتماعی دین اسلام است که بنحو کفایی برآحاد جامعه، واجب گردیده است و مبنای پیشگیری و پذیرش این فریضه در شرع مقدس اسلام، ایجاد احساس مسئولیت عمومی و نظارت همگانی، بمنظور حسن اجرای موازین شرعی و جلوگیری از شیوع فساد در جامعه و اصلاح امور است.

واژگان کلیدی

نظارت، قانون اساسی، دولت، امر به معروف، مسئولیت، موازین اخلاقی.

۱. عضو هیأت علمی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

طرح مسأله

در نظام توحیدی مسئولیت افراد از مسئولیت دولت‌ها جدا نیست اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند مردم نیز عضو جامعه‌اند و نتیجه خوب و بد رفتار دولت مردان به طور مستقیم متوجه آنان می‌شود. بنابر این به حکم عقل و شرع این تکلیف همه افراد است که با نظارت بر کار زمامداران خود، مانع از انحراف آنان از مسیر حق، عدالت گردند. در فرهنگ اسلامی بر ضرورت نظارت همگانی تاکید شده و راه و روش‌های مختلفی برای آن تعیین گردیده است یکی از مهمترین روشها امر به معروف و نهی از منکر همگانی و نظارت مردمی بر حکومت به صورت لسانی است که طبق نص صریح قرآن کریم برای همه مسلمانان واجب است. در قانون اساسی نظارت بر دولت از سوی مردم می‌تواند از راه‌های گوناگون ذیل صورت پذیرد.

اقدامات مردمی و تشکلهای غیر دولتی، نیازمند وجود سازمانی است که از این اقدامات حمایت لازم را به عمل آورد. اگر هدف از امر به معروف نهی از منکر، ترویج فضیلت‌ها و جلوگیری از منکرات و تجاوزها به حدود شرعی است، تأسیس سازمانی که تنها دغدغه آن، همین است، تضمین بیشتری را در رسیدن به هدف مذکور ایجاد می‌کند. این واجب، حتی اگر وظیفه‌ای فردی باشد، به دلیل ماهیت اجتماعی و سیاسی آن، بدون حمایت و نظارت دقیق نهادهای حکومتی کاری از پیش نمی‌برد و محکوم به شکست و انزوا است.

یکی از مهم‌ترین مظاهر جمهوریت در اندیشه سیاسی امام، تأکید بر لزوم مشارکت سیاسی مردم و حق نظارت آن‌هاست. اصل مشارکت که از بنیادی‌ترین اصول اجتماعی مردم‌سالاری در نزد امام بود، حقی است مبتنی بر اعتقاد به برابری و آزادی همه قشرهای جامعه (آذرننگ و پیروزی، ۱۳۹۶: ۱۵).

نگارنده در این مقاله با روش تحلیلی^۵ توصیفی به صورت کتابخانه‌ای به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل است: نظارت مردم بر دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنایی استوار است؟ دلایل نظارت مردم بر دولت در قانون اساسی چیست؟

۱. مبانی حقوقی نظارت مردم بر دولت بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر

حقیقت این است که برای رویکرد دلی زبانی امر به معروف و نهی از منکر خیلی نمی‌توان بدنبال رد پایی در قوانین بود ولیکن از آنجایی که غالب قوانین کشورها برگرفته از فرهنگ و باورهای مردم‌شان می‌باشد در ایران نیز با توجه به اینکه اکثریت مردم مسلمان و شیعه هستند در موارد سکوت چاره‌ای جز رجوع به باورهای مردم وجود ندارد با این ضابطه مردم ایران، نسبت به نقد قدرت و امر به معروف و نهی از منکر رویکرد دینی و مذهبی دارند بنابراین می‌توان مبانی حقوقی آن را در اعتقادات و باورهای دینی و فرهنگ مردم ایران جستجو کرد که بنوعی در قوانین کشور تبلور یافته است.

پر واضح است بر اساس قانون اساسی، استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اعتقاد بر حکومت حق و عدل و قرآن می‌باشد (اصل اول). اعتقاد به این حکومت مقدمه اجرای دستورات و احکام اسلام است تا از این طریق بتوان به جامعه سالم و نمونه، که در آن قسط، عدل، استقلال و همبستگی ملی تأمین شده باشد دست یافت (اصل دوم). برای نیل به این مقصود، دولت موظف است همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار بندد (اصل سوم).

امر به معروف و نهی از منکر، اهرم بسیار قدرتمندی است که از طریق بسیج همگانی و مستمر دولت و ملت، می‌تواند زمینه‌ساز رشد فضایل و طرد مفسد باشد. قانون‌گذار اساسی، با درک مراتب این عنصر سازنده اسلامی، برای تأسیس نهاد نظارت و مراقبت همگانی، اصل هشتم را مقرر داشته است (اصل اول).

یکی از عوامل بازدارنده منکر و توسعه معروف، قوانین و مقررات است که بعنوان ترمز منکرات و تمایلات نفسانی، تا حدود قابل توجهی از تحقق اعمال و رفتار ناپسند و ناصواب پیشگیری می‌کند. پس وظیفه حاکمیت است که جهت کارآمدی بیشتر و بازدارندگی از تحقق اعمال و رفتار ناپسند، با ایجاد فضایی مناسب برای نقد و بررسی، مقررات و قوانین متناسبی وضع کند تا ضمن فراهم ساختن زمینه رشد استعدادها و قوای خلاقه انسان، با لحاظ مصالح اجتماعی موجبات گسترش معروف‌ها و محو منکرات و انحرافات گردد.

۱-۱. نظارت در سطح قانون اساسی

در اصل هشتم قانون اساسی آمده است «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند (اصل هشتم)؛ (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض، یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) در این اصل به میراث گران بهایی اشاره شده است که دین اسلام برای مسلمین به ارمغان گذاشته است؛ در قانون اساسی این حق برای آحاد مردم شناسایی شده و هر شهروند ایرانی حق دارد فارغ از پست و مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی زمامداران را به معروف دعوت و از منکر باز دارد.

با اجرای این اصل بنیادی، می‌توان به این باور رسید که در چنین جامعه‌ای عناصر فاسد از محیط سالم اجتماع طرد و زمینه برای رشد و تعالی عناصر سالم مهیا می‌گردد و موجبات تاثیر مثبت در بدنه کشور و بافت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی جامعه خواهد بود با این تعبیر می‌توان پذیرفت که امر به معروف و نهی از منکر عامل تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و سیاسی مردم با یکدیگر و حاکمان بوده و نقش سازنده‌ای در سیاست داخلی و خارجی کشور ایفا می‌کنند

به عبارت دیگر اجرای صحیح آن، جامعه را از جرم و اعمال ضد اجتماعی و اکسینه و زمینه را برای پیشگیری از کجروی‌ها مهیا می‌نماید (کاظم زاده، ۱۳۹۶، ص ۹۰).

همان‌طور که گفته شده امر به معروف و نهی از منکر دارای شقوق سه‌گانه است:

شق اول. امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر (نظارت مردم بر مردم)؛

شق دوم. امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم (نظارت دولت بر مردم)؛

شق سوم. امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت (نظارت مردم بر دولت)؛

۱-۲. نظارت مردم بر مردم

اصل هشتم قانون اساسی، ناظر بر حق بنیادی و الهی مردم نسبت به یکدیگر در امر و نهی به منظور برپایی جامعه سالم و دور از فساد و تباهی و ظلم است. اما در جامعه اسلامی مطابق فتوای برخی از فقیهان، با وجود حاکمیت فقیه، هرگاه امر به معروف و نهی از منکر مستلزم ضرب و شتم و بالاتر از آن باشد، اجرای این موضوع بر عهده حاکم قرار می‌گیرد. در واقع، مرتبه انکار قلبی و زبانی وظیفه همگانی است، اما مرتبه اقدام عملی با حکومت است. این مسئله در فقه نیز مورد توجه می‌باشد. مقام معظم رهبری در پاسخ به یک استفتاء می‌فرماید: «با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی، امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد، به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف اموال مرتکب شونده می‌باشد، یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند. بنابراین، بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اکتفا کند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسئله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند (هاشمی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۶).

دگرگون‌سازی و اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه براساس آموزه‌های اسلامی می‌تواند از اساسی‌ترین راه کارهای تحقق امر و نهی الهی به حساب آید. فقهای بزرگ اسلام معتقدند که در تحقق این فریضه الهی، آحاد مردم موظفند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی‌ها را بگیرند. لکن آن بخشهای حساس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب و جرح به دست هیأت حاکمه است و بخش‌های اعتراض‌آمیز آمرانه آن به عهده عزم ملی است و نیز این فریضه با حدّ و تعزیر فرق جوهری دارد، در امر به معروف به انجام کار فرمان می‌دهند و در نهی از منکر، جلوی کار زشت را می‌گیرند و به عامل می‌گویند این کار خوب را انجام بده یا فلان کار بد را نکن، ولی در حدّ و تعزیر، شخصی بزهکار را تنبیه می‌کنند که چرا فلان کار قبیح را مرتکب شدی؟ از این رو چنین کاری به عهده‌ی مسؤولان قضایی شرعی است، برخلاف امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه‌ی همگان است. لهذا این کار یک عزم ملی می‌طلبد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۱ - ۱۱۰).

این دو فریضه دو واجب دینی هستند که ارزش آنها بلحاظ گستره تأثیری که در اصلاح جامعه دارد از سایر فروع دین بالاتر است. تکلیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرایم و ابراز عکس‌العمل در برابر آن، یکایک شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسئول و ناظر قرار داده است. در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشروع یاد می‌شود (فیض، ۱۳۷۰، ص ۲۳۷).

لازمه نظارت مردم بر مردم الزام و تعهد افراد در مقابل یکدیگر می‌باشد شکی نیست که برای رسیدن به سعادت، نیازمند توجه به جنبه‌های فردی و اجتماعی هستیم. زندگی بشر نیازمند نظم و قانون است. انسانی که در یک جامعه فاسد زندگی می‌کند، دچار بدبختی و هلاکت می‌شود؛ یعنی سعادت فرد و جامعه از هم جدا نیست و دین اسلام همان‌گونه که برای سعادت فرد دستور و برنامه دارد، برای سعادت جامعه نیز طرح و برنامه خاصی دارد. از جمله، امر به معروف و نهی از منکر، سرنوشت هر مسلمانی را با مسلمان دیگر پیوند می‌دهد و یا عبادت که دارای یک بُعد فردی و شخصی و یک بعد اجتماعی است. امر به معروف و نهی از منکر، دعوت دیگران به برّ و نیکی و برحذر داشتن از شر و بدی است. سکوت در این امر و بی‌تفاوتی نسبت به آن، موجب مؤاخذه خواهد بود. اگر افراد در برابر مفاصد بی‌تفاوت باشند، بار سنگین آن بر دوش دولت و حکومت قرار می‌گیرد. در صورتی که دولت اسلامی باشد، علاوه بر ناتوانی آن از انجام امر به معروف و نهی از منکر، این امر صرفاً جنبه صوری و دستوری و نظامی به خود خواهد گرفت و ممکن است روح این عمل از بین برود. پس لازم است همه آحاد جامعه ابتدا ناظر اعمال خود و سپس دیگران باشند.

در حکومت اسلامی نظارت همگانی، ضامن دوام و بقای جامعه و نیروی عظیمی برای مبارزه با مفاصد است. اگر همه مسلمانان با انجام آن، جامعه را سالم سازند، می‌توانند بزرگ‌ترین مشکلات را حل و فصل کنند؛ رمز بقای تمدن‌ها، حکومت‌ها و ملت‌ها انجام این وظیفه مهم است، همان‌گونه که در احادیث، علت نابودی و هلاکت برخی اقوام، ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است (کاظم زاده، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

در جامعه اسلامی، یکی از وسایل مهم کنترل اجتماعی، اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که به صورت یک وظیفه شرعی، از کارآیی مؤثری برخوردار است. به گونه‌ای که مردم با احساس تکلیف شرعی، حضور و شرکت فعال خود را در مقابله با انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی وظیفه دینی خود می‌دانند.

انسان موجودی مختار است و ابزار هدایت و رستگاری برای او وجود دارد. می‌تواند ورای جبر، مسیر خود را طی کند و از ابزار عقل درونی و بیرونی استفاده نموده و مسیر خود را خود

تعیین نماید. اراده انسان بالاتر از جبر است که نه مقهور ظلم شده و نه اختیاری بی‌حد و حصر دارد که بدون ضابطه عمل کند. اسلام دین اعتدال است، جبر و تفویض در آن راه ندارد. همان‌گونه که فطرت و سایر ویژگی‌های انسان بر اعتدال هستند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ» (قرآن کریم، سوره تین، آیه ۴).

امر به معروف و نهی از منکر توسط همه افراد واجد شرایط و مسلمان، بهترین راه پیش‌گیری و درمان آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است و در این راه هر یک از افراد جامعه در مقابل یکدیگر الزاماتی دارند که باعث توسعه معروف و دوری از اعمال ضد اجتماعی خواهد شد. این الزامات عبارتند از:

التزام به رفتارها و احکام دینی.

سفارش به پرهیز از پیروی از الگوهای انحرافی.

سفارش به تقویت پیوندهای اجتماعی.

پرهیز از حضور در مکان‌های جرم‌خیز.

پرهیز از همنشینی با نامحرمان.

ضرورت ارضای غریزه جنسی به نحو مشروع.

پرهیز از خلوت‌گزینی و غیره.

اینها از جمله تکالیف اجتماعی است که افراد در مقابل یکدیگر از طریق امر به معروف و نهی از منکر برعهده دارند و متقابلاً همدیگر را به انجام امور یادشده و ترک اعمال ناشایست سفارش و دعوت می‌کنند.

۱-۳. نظارت دولت بر مردم

در امر به معروف و نهی از منکر به مفهوم نظارت دولت نسبت به مردم، احادیث متعددی از جمله حدیث نبوی مستند این امر است که می‌فرماید: آگاه باشید که همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسئولید. امیر و فرمانروا نگهبان مردم است و در برابر آنها مسئول است. مرد، نگهبان خانه خویش است، و در مقابل آنها مسئول است. زن نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در برابر آنها مسئول می‌باشد؛ آگاه باشید که همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستند، مسئولید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۴).

حضرت علی (ع) فرمودند: ملت‌هایی که پیش از شما به هلاکت رسیده و نابود شدند، فقط به خاطر این بود، که هرگاه مردم، مرتکب گناه و معاصی می‌شدند. روحانیون و عالمان دینی‌شان آنان را از کار زشت، باز نمی‌داشتند و چون این وضع ادامه یافت کیفرهای الهی بر آنان نازل گردید، پس بر شماست که امر به معروف و نهی از منکر کنید (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۵۷) و قوانینی

که حکومت وضع می‌کند همگی در راستای این شق از اصل قانون اساسی است. آن چه به عنوان حقوق اساسی و نسبت به حق مالکیت و نظارت حکومت بر مردم در قانون اساسی بیان شده است، ناظر به مواردی است که از اشاعه منکرات می‌کاهد و عاصیان، مجرمان و متجاوزان به حقوق مردم را مجازات می‌نماید. همچنین با فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی، از پرداختن مردم به امور خلاف جلوگیری می‌نماید و نیز زمینه‌های خطا و گناه را برای مجرمان، ناسالم و ناامن می‌کند و بخشی از آنها را از بین می‌برد. این موارد در اصول عدیده قانون اساسی متکفل نظارت بر مردم است (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۷)؛ از جمله:

اصل دوم: ناظر به نظارت رهبری، حاکمیت قوانین الهی، نفی ظلم و ستم، احترام به کرامت و ارزش انسان‌ها؛

اصل سوم: ناظر به تأمین حقوق همه جانبه مردم و زمینه‌سازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل و از بین بردن زمینه‌های تبعیض و استبداد و...؛

اصل چهارم: ناظر به مطابقت همه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی؛

اصل پنجم: ناظر به نظارت ولایت فقیه بر قوانین؛

اصل نهم: ناظر به حفظ آزادی‌های مشروع افراد و حفظ استقلال و وحدت و تمامیت ارضی

کشور؛

اصل دهم: ناظر به مطابقت قوانین با حفظ حقوق و قداست خانواده،

اصل دوازدهم: حفظ حقوق مذاهب غیر شیعی؛

اصل سیزدهم: ناظر به حفظ حقوق اقلیت‌های دینی؛

فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» اصول نوزدهم تا چهل و دوم؛

فصل چهارم تحت عنوان «اقتصاد و امور مالی» اصول چهل و سوم تا پنجاه و پنجم؛

فصل پنجم تحت عنوان «حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن» اصول پنجاه و ششم تا

شصت و یکم؛

از سوی دیگر، اگر حکومت نقش نظارتی و امر و نهی خود را از دست بدهد، ضمن اینکه عمر خود را کوتاه می‌کند، جامعه نیز به سمت تباهی و گرفتاری در انبوه بحران‌ها و مفسد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی می‌رود. دین در بین مردم کم‌رنگ و زمینه فعالیت اشراک تقویت می‌شود.

۱-۴. مشارکت مردم در امر به معروف و نهی از منکر

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه خداوند ستمگری را بر شما مسلط می‌کند که نه به پیران احترام می‌گذارد و نه به

خردسالان رحم می‌کند. نیکان و صالحان شما دعا می‌کنند، ولی مستجاب نمی‌شود و از خداوند یاری می‌طلبند، اما خدا به آنها کمک نمی‌کند و حتی توبه می‌کنند و خدا از گناهشان در نمی‌گذرد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۵۰۰) و نیز پیامبر اسلام (ص) در مورد اثر پیش‌گیرانه این نهاد اسلامی می‌فرماید: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدای متعال اشخاص بد و نابکار شما را بر افراد شایسته و خوب مسلط می‌کند، آن‌گاه خوبان دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۷۵) از جمله اقسام مشارکت مردم بر حکومت، آزادی بیان و آزادی بعد از بیان و همچنین آزادی نشریات و روزنامه و غیره است که در محل خود بطور مبسوط بحث خواهد شد.

۱-۴-۱. الزام و تعهد افراد در مقابل کل جامعه

تردیدی نیست که انسان در جهت حفظ و بقای خود تلاش می‌کند؛ زیرا گاه میان برخی از پدیده‌های طبیعت و خواست‌های انسان تعارض ایجاد می‌شود. هر چند این تعارض، تعارض ذاتی نیست، اما پدیده‌های طبیعی، تمایل به حفظ وضع موجود خود دارند و خواست انسان در جهت تغییر و دگرگونی آن، برای بهره‌وری و استفاده بهینه از آن در جهت منافع خود است. این کشمکش میان انسان و طبیعت، که گاه برای آدمیان سنگین تمام می‌شود، نشان می‌دهد که انسان از آزادی مطلق در مواجهه با طبیعت پیرامون خود بر خوردار نیست.

از سوی دیگر، خودِ قوای طبیعی و غریزی انسان نیز حرکات انسان را تحت تأثیر خود قرار داده و گاه قدرت اراده و انتخاب آزاد را از او می‌گیرند. در واقع، خواسته‌های معقول انسان همیشه با تمایلات غریزی او همسو و همراه نیستند. از این‌رو، ناگزیر میان آنها درگیری و کشمکش ایجاد می‌شود. بنابراین، انسان برای حفظ آزادی خود در دو جبهه می‌جنگد. پس آزادی انسان از ناحیه طبیعت و خواسته‌های درونی خویش تهدید می‌شود.

آزادی اجتماعی، یعنی اینکه انسان در اجتماع از سوی سایر افراد اجتماع، آزادی داشته باشد و دیگران در راه رشد و تکامل او ممانعت نکنند و جلوی فعالیت سازنده او را نگیرند. نه مورد استثمار قرار گیرد و نه به دیده تحقیر و نه صاحبان قدرت و مقام و طالبان شهرت او را وسیله و ابزاری برای رسیدن به مطامع خود کنند. این حقیقت در آیات بسیاری از قرآن مجید به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. از آن جمله اینکه خداوند متعال ارزش انسان‌ها را در قدرت و ثروت و نژاد و پست و مقام و موقعیت آنها نمی‌داند، بلکه آنچه موجب ارزش بیشتر انسان‌ها می‌شود و کرامت آنان را تضمین می‌نماید، تقوای آنهاست. همچنین یکی از اهداف انبیا، اعطای آزادی اجتماعی به بشر است؛ یعنی افراد را از اسارت، بندگی و بردگی نجات دهند. از قید اوهام، خرافات، جاهلیت و تعصبات و خرافه پرستی‌ها برهانند و راه زندگی انسانی و الهی را به ایشان بنمایانند. در اصول و فروع و احکام دین نکات بسیاری وجود دارد که ضامن و حافظ آزادی

اجتماعی و فردی انسان است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۳) برده و بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.

پس آزادی اجتماعی انسان یک اصل مسلم و امری مقدس است، ولی به هر حال انسان موجودی اجتماعی است و طبیعت و سرشت انسان، او را به زندگی اجتماعی سوق می‌دهد از نظر اسلام، جامعه انسانی به منزله کشتی و افراد اجتماع را به منزله سرنشینان کشتی محسوب می‌شوند. اگر کسی مرتکب خلافی شد، مانند آن است که کشتی را سوراخ نموده و مقدمات غرق همگان را فراهم آورده است. از این‌رو، همه انسان‌ها مسئول و موظف هستند تا از وقوع خلاف جلوگیری کنند؛ زیرا در غیر این صورت همه مسئولند. امر به معروف و نهی از منکر، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند این کشتی را به ساحل نجات رسانده و از خطر غرق شدن نجات دهد.

قانون به تنهایی نمی‌تواند مانع وقوع خلاف و جرم شود. هرچند که قانون مترقی و مأخوذ از شرع باشد؛ چرا که حقیقت قوانین، اعم از الهی و یا غیرالهی تنها در پرتو عمل بدان‌ها معنا و مفهوم می‌یابند. بنابر این، اگر اراده انسانی از اجرای قانون سر باز زند، دیگر قانون وصف لازم الاجرا بودن خود را از دست می‌دهد. اما چگونه و به چه وسیله‌ای باید اراده‌ها را، در مرحله اجرای قوانین حفظ نمود و این قدرت را به وجود آورد تا قانون برقرار بماند؟

هر گاه اراده‌ها زنده و مسئولیت‌پذیر باشند، قانون اجرا می‌شود و اگر اراده‌ها در اثر انحطاط روحی مردم و یا سستی روحی و اخلاقی جامعه بمیرد و یا قوه خود را در اثر گسترش لهو و لعب از دست بدهد، یا در اثر روبرو شدن با یک قدرت قوی‌تر اعتبار خود را از دست دهد، ملت به آرزوی خود در اجرای قانون نخواهد رسید. اما اسلام، روش اجتماعی و قوانین خود را بر اساس اخلاق بنا کرده است و بر تربیت مردم بر اساس موازین اخلاقی اهتمام زیادی نموده است. ضمانت اجرایی قوانین را هم بر عهده تربیت اخلاقی نهاده است. این ضمانت اجرایی همانند پلیسی درونی همواره و در همه جا در نهان، آشکار، خلوت و جلوت همراه انسان بوده و مانع خلاف و خطا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۲۲۴).

انسان نمی‌تواند آزادی مطلق کسب کند؛ چراکه تفکر اجتماعی انسان موجب می‌شود که متفکر، اوصاف فردی را جدای از اوصاف اجتماعی به حساب نیاورد، بلکه بداند صلاح فرد، همان صلاح جامعه است و فساد فرد، همان فساد اجتماع است. آزادی مطلق از آن خداست و انسان نمی‌تواند آزادی کامل به دست آورد. چون انسان موجود محدود است. پس هیچ چیز موجود، محدود نمی‌تواند نامحدود باشد. بنابراین، همان‌گونه که اشاره شد، انسان ناگزیر است مطیع قوانین اجتماعی باشد.

از آنجایی که اسلام قانون خود را بر اساس توحید و اخلاق اسلامی بنا نهاده و هر امر

کوچک و بزرگ را در زندگی فردی و اجتماعی انسان مورد توجه قرار داده است، هیچ چیزی وابستگی متقابل و یا یک سویه به انسان ندارد، مگر آنکه شرع مقدس اسلام، مستقیم و یا غیرمستقیم در آنجا حضور دارد. از این رو، اولاً این آزادی برای انسان صاحب اندیشه و خرد پسندیده و مقبول است و ثانياً هم او درک می‌کند که آزادی به معنای مطلق و به معنایی که عمدتاً در مکاتب بشری مورد نظر است، با سعادت و سلامت فرد و جامعه سازگار نیست.

آزادی در چهارچوب اسلام که ما موظف به پاسداری از آن هستیم، ایمان دینی و تقوای الهی است که ضامن حفظ و صیانت انسان و و مانع از افراط و تفریط اوست. آزادی بدین معنا و در چارچوب شرع مقدس، علاوه بر صیانت از حقوق مادی، حقوق معنوی او را نیز رعایت و حفظ می‌کند. انسان را در قبال هموعان و حتی سایر جمادات و حیوانات مسئول برمی‌شمرد، آنچنان که انسان در برابر آزار و اذیت سایر موجودات، مجرم و شایسته عقاب است و در برابر خیر و نیکی به آنها لایق پاداش است.

برای نیل به این هدف مقدس، همه انسان‌ها در مقابل حفظ سلامت جامعه و در جهت تلاش برای تعالی و تکامل فضایل معنوی در جامعه و افراد مسئول هستند و مسئولیت هر کس در حیطه توان و نیز موقعیت اوست. یکی از مهم‌ترین دلایل تشریح احکامی مانند روزه، خمس، زکات، حج، نمازهای جماعت و غیره همین نقش تربیتی، اجتماعی آنها و یادآوری مسئولیت همه انسان‌ها در قبال اجتماع است.

از منظر قرآن، مهم‌ترین عامل از بین رفتن اقوام و ملل گوناگون، سوء استفاده از قدرت و نعمت آزادی است. ملت‌ها و مردمی که در اوج نعمت از فرمان الهی سرپیچی نموده و قانون خداوند را نادیده گیرند، و مرتکب زیان‌کاری، بی‌عدالتی و بیدادگری، فسق و فجور شوند، دچار عذاب الهی خواهند شد. این وعده الهی است (قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۳۱).

با عقل، خرد، وجدان و احساس باید پذیرفت که آزادی انسان مشروط و محدود است. بنابراین، هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود که آزادی انسان مطلق است. محدوده آزادی هم قانون است.

از منظر اسلام، محدوده آزادی تا جایی است که منافع مادی، جسمی، حیاتی و معنوی افراد به خطر نیفتد. از نظر اسلام، آزادی در ظلم، اغوا و فریب دادن مردم و خلف وعده و ریا و نفاق و غصب اموال و تجاوز و تعدی به حقوق افراد و سلب آزادی عمومی است. همچنین ظلم به خویشتن و آلودن خود به فساد، فحشا، منکرات، بیهودگی‌ها، خودستیزی و خودکشی و غلتیدن در لذایذ بی‌حد و حصر جنسی و شهوانی و... موجب سلب آزادی دیگران است.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اعطای حق به همه افراد و آگاه ساختن مردم به حقوق خود، که نوعی تعاون در بر و تقوا و احتراز از گناه و عدوان می‌باشد، دلیلی روشن بر عنایت

اسلام بر ضرورت وجود آزادی برای امت اسلام است. این امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در همه زمینه‌ها از جمله آزادی بیان، قلم، اجتماع و... تجلی یابد.

بنابراین اگر افراد در قبال تغییر و تحولات جامعه خود را مسئول بدانند و در مقابل ضعف‌ها و کاستی‌ها از خود عکس‌العمل نشان بدهند و برای آن چاره‌اندیشی نمایند جامعه پویا و زنده و پرتحرک خواهد شد و چنین جامعه‌ای برای انجام امور فرهنگی و از بین بردن جهل و فساد به میدان آمده و با قاطعیت از ارزشهای خود پاسداری خواهد کرد و بدین وسیله خود را سربلند نگاه خواهد داشت که این امر با نظارت مراقبت عمومی و اجرای این فریضه به ارمغان می‌آید و بدون نظارت عمومی جریان امور از دست صالحان و نیکوکاران خارج می‌گردد و افراد ناصالح حاکمیت جامعه را در دست می‌گیرند (عمید زنجانی ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۴۹).

۱-۴-۲. الزامات در مقابل دولت اسلامی

در فرهنگ اسلام، برخلاف برخی از ادیان دیگر، وظایف عبادی صرفاً جنبه فردی و شخصی ندارد، بلکه در عین نیاز به قصد قربت، با ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوندی وثیق دارد و بدین وسیله، با جامعه و حکومت ارتباط پیدا می‌کند. بر مبنای این ویژگی است که دانشمندان اسلامی، درصدد کشف نظر اسلام درباره مسائل روز بر آمده و به سراغ منابع اسلامی می‌روند، تا آنجا که هیچ موضوعی را به عنوان اینکه «بلا تکلیف است»، تلقی نمی‌کنند.

از سوی دیگر، مقررات اسلامی بر این مبنای اصیل استوار است که انسان در جامعه زندگی می‌کند و با دیگران پیوندهای اجتماعی دارد. استاد مطهری در این باره می‌گوید: مقررات اسلامی، ماهیت اجتماعی دارد؛ حتی در فردی‌ترین مقررات، از قبیل نماز و روزه، چاشنی اجتماعی در کنار آنها زده شده است. مقررات فراوان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و جزایی اسلام، ناشی از این خصلت است؛ همچنان که مقرراتی از قبیل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، از مسئولیت اجتماعی اسلام ناشی می‌شود (کاظم زاده، ۱۳۹۶، ص ۹۹).

از نظر برخی ویژگی دیگر مقررات اسلامی، رابطه تنگاتنگ و استوار آن با نظام سیاسی حاکم بر جامعه است؛ بدین معنا که در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و حتی عبادی، قوانین و مقررات به گونه‌ای ارائه شده است که تنها با روی کارآمدن دولتی دینی، امکان اجرای صحیح، کامل و مطلوب آنها وجود دارد و خلأ چنین دولتی به بروز پراکندگی در قوانین اسلامی و به هم خوردن انسجام آنها، تعطیل بخش‌هایی از این قوانین، امکان سوء استفاده از قوانین اسلامی، ضعف اجرا، به علت فقدان حمایت قانونی و... می‌انجامد.

در اسلام نظام عبادی، هم سازنده عناصر حکومت و نظام سیاسی است و هم ارتباط فرد با خدا و انسان‌های دیگر را سامان می‌بخشد. در این مکتب، تنظیم ارتباط و تعامل انسان‌ها، در گرو تنظیم ارتباط آنها با خداوند است (عمید زنجانی ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۵۰).

در آیین اسلام، آموزش‌های عبادی و سیاسی، چندان با هم عجین و آمیخته شده است که نمی‌توان مرزی بین آنها کشیده و از یکدیگر تفکیک نمود. دانشمندان بزرگ اسلامی، با الهام از اشاره‌هایی که در کتاب و سنت، درباره اسرار عبادات وجود دارد، فلسفه اجتماعی هر یک را تحلیل کرده‌اند؛ امام علی(ع) می‌فرماید: جامعه نیازمند حاکم و امامی است که آنان را به آنچه صلاح آنهاست، راهنمایی و از آنچه به زبان آنهاست، برحذر دارد؛ زیرا امر و نهی، یکی از اسباب بقای خلق است؛ چون اگر امر و نهی نباشد، تشویق و ترس از بین رفته و کسی از اعمال ناشایست، بازداشته نمی‌شود و صلاح اندیشی و تدبیر ننماید به فساد می‌گراید و این، سبب هلاکت بندگان می‌گردد. فقها برای امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط ذکر کرده‌اند:

۱. علم به معروف و منکر؛
 ۲. اثربخش بودن؛
 ۳. نبودن ضرر مشابه جانبی؛
 ۴. اصرار فرد به انجام کار و تکرار آن.
- اگر این چهار شرط را از منظر وظایف حکومت اسلامی، مورد بررسی قرار دهیم و حکومت اسلامی را مجری امر به معروف و نهی از منکر بدانیم، یا دست کم در این زمینه او را به عنوان تبلور قدرت اجتماعی، مسئول بدانیم، در این صورت حکومت اسلامی موظف است:
- اولاً- با سرمایه‌گذاری همه‌جانبه، سطح دانش و بینش مردم را نسبت به معروف و منکر افزایش دهد؛ چون اگر مردم مرزهای حلال و حرام خداوند را تشخیص ندهند و آگاهی کامل و همه جانبه نسبت به احکام الهی نداشته باشند، قادر نخواهند بود امر و نهی کنند.
- ثانیاً- حکومت اسلامی باید تلاش کند روش‌های اثربخش را پیدا کند و از ابزار و شیوه‌هایی استفاده کند، تا امر و نهی تأثیر داشته باشد. اگر در شرایط امر به معروف و نهی از منکر، «احتمال مؤثر بودن» تأکید می‌شود، به این معنا نیست که اگر مؤثر نبود، تکلیف ساقط است، بلکه در این شرایط، مکلف موظف است شرایطی را ایجاد کند و امکانات و روش‌های اثربخش را انتخاب کند.

ثالثاً- اجرای امر به معروف و نهی از منکر نباید منجر به ضررهای جانبی برای حیثیت نظام و افراد باشد، که در این صورت، ضرر آن بیش از نفع آن می‌شود؛ از این‌رو، حکومت اسلامی موظف است، سطح آگاهی و بینش مردم را به شیوه‌های بهینه و مفید امر و نهی افزایش دهد و در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی به این امر توجه کند.

رابعاً، شرط علم و آگاهی و اصرار و تکرار فرد خطاکار، گویای این مسئله می‌باشد که امر به معروف و نهی از منکر، یک مسئله عمومی است و مربوط به فرهنگ جامعه می‌شود؛ چون اصرار

به انجام گناه و یا ترک معروف و یا تکرار آن، معمولاً موضوع را از جنبه شخصی و فردی بودن خارج می‌کند و فرد خطا کار با انجام گناه، جامعه را با ناهنجاری مواجه می‌سازد و با ترک معروف‌ها، روح عبادت و گرایش‌های دینی مردم را تضعیف می‌کند. در این صورت، حکومت اسلامی موظف است با تصویب قوانین و اجرای برنامه‌های خاص، وضعیت را کنترل کند و با استفاده از مراحل سه‌گانه (اول، مواجهه قلبی و درونی؛ دوم، مواجهه گفتاری و زبانی؛ سوم، برخورد فیزیکی) اقدام به امر و نهی کند. در مرحله اول، دولت اسلامی با اجرای برنامه‌های خاص، جایگاه ارزشی افراد گناهکار و کم توجه به مسائل دینی را مخدوش می‌سازد و با برخورد منفی، زمینه خودنمایی آنان را در جامعه از بین می‌برد، در مرحله دوم، با استفاده از ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارد، آنان را موعظه و نصیحت می‌کند و با استفاده از ابزار توبیخ و تشویق، آنان را متذکر می‌سازد؛ و در مرحله سوم با آنان برخورد می‌کند. هرچند امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است و دولت و ملت در آن نقش دارند، اما بخش سوم آن، که اعمال قدرت می‌باشد، در حکومت و دولت تبلور می‌یابد و حاکم اسلامی موظف است امکانات و زمینه‌های لازم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم سازد تا جامعه به سوی معروف و خوبی‌ها گرایش پیدا کند و از بدی‌ها و کژی‌ها بازداشته شود. رابطه اجرای امر به معروف و نهی از منکر با حکومت اسلامی، تا حدی است که بسیاری از اندیشمندان اسلامی، مشروعیت حکومت اسلامی و فلسفه وجودی آن را اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند (عمید زنجانی ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۵۳).

با اشاره به آیه (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّه يُدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ) (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۰). خداوند می‌فرماید: مراد از امت، مجموعه مردم نیست، بلکه گروه برگزیده آنان می‌باشند، که در واقع قدرت مردم به آنان منتقل می‌شود و آنان نیز موظف هستند برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند؛ مانند مجالس شورا در حکومت‌های جمهوری و یا همچنین سلطنت‌های مقبده؛ چون با شکل‌گیری چنین امتی است که عظمت و اقتدار دین حفظ می‌شود و وحدت مسلمین تأمین می‌گردد. در آیه: الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (قرآن کریم، سوره حج، آیه ۴۱). ملاحظه می‌گردد که ویژگی حکومت صالحان این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

تاکنون ضرورت احیای امر به معروف و نهی از منکر و اقدام مؤثر از سوی حکومت اسلامی، مورد تردید هیچ یک از اندیشمندان جهان اسلام قرار نگرفته است؛ آنچه مورد بحث است، تنها شرایط و شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به مطالب پیشین در می‌یابیم، دولت دینی به عنوان نظام حکومتی، که مشروعیت آن مرهون امر به معروف و نهی از منکر است، نمی‌تواند خود را نسبت به مسائل دینی، اعتقادی و اخلاقی جامعه بی‌طرف بداند و

موظف است تمام امکانات خود را برای تشویق و هدایت جامعه به سوی خوبی‌ها به کار گیرد و با قدرتی که از ناحیه خداوند و یا مردم پیدا کرده است با بدی‌ها، کژی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و دینی مقابله کند (عمید زنجانی ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۵۳).

حضرت آیت‌الله جوادی آملی از علمای معاصر در جواب این سؤال که، آیا نظام حکومتی بر مبنای ولایت فقیه، برای تحقق «بایدها و نبایدها» الزامی است، یا برای تحقق «اخلاق فاضله» و «اعتقادات صحیح»؟ پاسخ داده‌اند: حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه، برای «تحقق دین» در جامعه است و دین، شامل سه بخش «اعتقاد»، «اخلاق» و «عمل» است. بنابراین، ولایت و حکومت فقیه، فقط برای «بایدها و نبایدها» الزامی نیست، ولی چون انسان و جامعه انسانی، از طریق رفتار و عمل اصلاح می‌شوند، باید مورد توجه نظام باشد (فاتحی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ۶۲).

۲. دلایل نظارت بر قدرت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران

۲-۱. مسئولیت

یکی از مهمترین مبانی نظارت، مسئول بودن اشخاص حقیقی و حقوقی است. در جهان بینی اسلامی تنها خداوند است که مورد بازخواست و سوال قرار نمی‌گیرد. چون کسی می‌تواند سؤال کند که طلب و یا حقی داشته باشد و هیچ کس از خداوند طلبی و یا بر او حقی ندارد «لایسأل عما یفعل وهم یسألون» (قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۲۳)؛ خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود ولی دیگران (مردم، در انجام کارهایشان) بازخواست می‌شوند.

مسئولیت پاسخگویی انسان در قبال کارهایی که انجام می‌دهد، بارها در قرآن کریم آمده است، از جمله: «فَوَرَّكَ لَئَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۹۲). به پروردگارت سوگند که از همه مردم سؤال خواهیم کرد. و یا در آیه دیگری می‌فرماید: «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ» (قرآن کریم، سوره صافات، آیه ۲۴). آن‌ها را متوقف کنید، آنها باید بازخواست شوند. به هر حال در روز قیامت، از نیت و کردار، از جوانی و عمر، از درآمد و مصرف، از انتخاب زمامدار و مسئولیت زمامداران، سؤال خواهد شد. انسان‌ها در قبال کارهایشان مسئول و متعهدند. «وَهُمْ يُسْئَلُونَ» سؤال و مؤاخذه، بهترین نشانه بر مسئولیت و مهم‌ترین علامت بر آزادی و اختیار انسان‌هاست. معنای دیگر «و هم یسألون» این است که انسان مکره بازخواست نمی‌شود، زیرا بازخواست و سؤال از فرد مجبور و بی‌اختیار، عقلاً قبیح است.

بدین ترتیب مطابق جهان بینی اسلامی اصل مسئولیت، اصلی عام و فراگیر نسبت همه انسانها حتی معصومان است (نهج البلاغه، نامه شماره ۵). لازمه پذیرش این اصل، پذیرش پاسخگویی مبتنی بر مسئول بودن افراد و مقامات است. لازمه پاسخگویی نیز پذیرش حق نظارت برای شخص یا مقام و یا سازمانی خواهد بود که خود را در برابر آن پاسخگو می‌داند

بدین ترتیب نظارت فرع بر پاسخگویی و پاسخگویی فرع بر مسئولیت پذیری است. اشخاص زمانی خود را به پاسخگویی در امری ملزم می بینند که مسئولیت آن را پذیرفته باشند و از آنجا که هیچ انسانی از شمول اصل مسئولیت خارج نیست، هر فرد نسبت به عملکرد خود یا در برابر خداوند یا در برابر دیگران پاسخگو بوده و تحت نظارت و کنترل قرار می گیرد.

در این حوزه چون مردم صاحب حق هستند و زمامداران از قبیل آنان حکمرانی می کنند بنابراین در برابر مردم مسئول و پاسخگو می باشند کما اینکه اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی نمایندگان را در برابر مردم مسئول می شناسد و بیان می دارد « هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.» گرچه یکی از ضمانت اجرای نمایندگی و وکالت حق عزل وکیل است اما در حوزه حقوق عمومی چنین حقی برای مردم پیش بینی نشده است ضمانت اجرای مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن نمایندگان مجلس در برابر مردم افکار عمومی و کسب رای مجدد مردم برای دوره های بعد می باشد و نیز در اصل یکصد و بیست و دوم رئیس جمهور را در برابر ملت مسئول می شناسد بیان می دارد «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.» مسئولیت رئیس جمهور در برابر مردم فاقد ضمانت اجرایی می باشد همانگونه که گفته شد تنها ضمانت اجرای آن فشار افکار عمومی و نیاز رئیس جمهور به کسب رای مجدد مردم برای دوره های آتی است و همینطور ضمانت اجرای رئیس جمهور در برابر رهبری نیز فاقد ضمانت اجراست و محدود به موارد خاصی مثل تفیذ حکم دیوانعالی کشور به تخلف از وظایف قانونی و رای مجلس به بی کفایتی سیاسی او است رهبر از نظر قانونی راسا از ضمانت اجرای کافی برای مجاب کردن رئیس جمهور به پاسخگویی ندارد.

۲-۲. امانت بودن قدرت

اسلام قدرت سیاسی و حکومت را امانت می داند که از سوی مردم به آنها داده شده است حضرت علی (ع) خطاب به اشعث بن غیظ فرماندار آذربایجان، فرمودند: «پست فرمانداری برای تو طعمه و شکاری نیست که به چنگ آورده ای، بلکه امانتی است بر دوش تو، در دستان تو اموالی از ثروت های خداوند است و تو خزانه دار آنی که به من بسپاری.» این امانت، یک امانت مردم است که خداوند بر دوش زمامدار نهاده است نفس امانت دانستن حکومت و تمامی اختیارات و قدرتی که از راه حکومت در اختیار افراد قرار می گیرد، توجیه کننده حق نظارت خواهد بود نظارتی که از جانب خداوند و از سوی مردم نسبت به امانت داران اعمال می گردد تا معلوم شود آنان حفظ امانت کرده یا نکرده اند.

۲-۳. خطا پذیری و عدم عصمت

نظارت بر این پیش فرض استوار است که اعمال خطا، نقص و انحراف در اعمال همگان و از جمله زمامداران و صاحبان قدرت وجود دارد به همین جهت هدف اصلی از نظارت، جلوگیری از وقوع این موارد و یا دست کم کاهش دادن آنهاست.

بر این اساس هر انسان غیر معصومی به نظارت نیاز دارد این مبنای ضرورت نظارت بر غیر معصومان امری ضروری و اجتناب ناپذیر در اداره جامعه است. در نظام سیاسی اسلام گرچه برابر تفسیر حاکم از قانون اساسی سنخ رهبری از سنخ ولایت است و از این جهت تفاوت‌هایی با رهبری در دیگر نظام‌های سیاسی دارد، اما از جهت نظارت به دلیل نبودن ملکه عصمت در عصر غیبت کاملاً نظارت بردار و قابل کنترل است. به سخن دیگر ولایت با نظارت منافاتی ندارد. پاسخگو نبودن ریشه در خود خواهی و خود بزرگ بینی انسان دارد. چنین فردی اساساً در مورد کارهای خود یا احتمال خطا نمی‌دهد و یا اگر احتمال خطا بدهد، با وضعیت روحی که دارند در برابر تذکر تمکین نکرده و تن به نظارت و پرسشگری دیگران نخواهند داد. از سوی دیگر احترام به حق نظارت مردم بر زمامداران یکی از مهمترین پایه‌های آزادی سیاسی است و در نقطه مقابل، جلوگیری از دخالت مردم در امور سیاسی و حکومتی به معنای در پیش گرفتن روش استبدادی و انحصار گرایانه در حکومت و نداشتن حسن ظن حاکمان به مردم است.

۲-۴. پذیرش جمهوریت

نظام‌های سلطنتی یا دیکتاتوری از آنجایی که جایی برای مردم و رای آنان در مشروعیت حکومت قائل نیستند به طور طبیعی بر نقش مردم در نظارت بر حکومت هیچ نقشی قائل نبوده و خود را فعال می‌دانند در مقابل نظام‌های مردم سالار و جمهوری با تکیه بر آرای عمومی، قدرت را به دست می‌گیرند و مقامات دولتی با پیشخوانه این آراء است که از نردبان قدرت بالا می‌روند پذیرش چنین سیستمی از حکومت لوازمی با خود به همراه خواهد داشت. به لحاظ حقوقی گرچه در حوزه خصوصی، نظارت به معنای تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد ممنوع گردیده، ولی در حوزه امور عمومی و آنچه جامعه تصدی آن را به مقامات دولتی واگذار کرده است، برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده از قدرت، نظارت امری لازم دانسته شده است. بدین ترتیب با مرز بندی مابین حوزه‌های خصوصی و عمومی و جمهوری دانستن حکومت از طرف دیگر، پذیرش نظارت بر حکومت، حتمی و قطعی خواهد بود. و از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران، هم نشینی جمهوریت و اسلامیت به رسمیت شناخته شده است، با توجه به مبانی اسلامی نظارت در چنین نظامی به گونه‌ای مضاعف اعمال خواهد شد. نظارتی که ترکیبی از ویژگی‌های جمهوریت و ارزش‌های اسلامیت است. اگر نظارت اصطلاحی به دلایل یاد شده مورد تاکید است، نظارت عمومی و مردمی از طریق امر به معروف و نهی از منکر که

درجه‌ای خفیف‌تر دارد به طریق اولی مطلوب خواهد بود.

۲-۵. نظارت مردمی در حوزه قانون اساسی

۲-۵-۱. حق و تکلیفی بودن نظارت همگانی

از نظر اسلام و قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، هم حق است و هم تکلیف. حق نوعی امتیاز است که ذی‌الحق می‌تواند از آن استفاده و یا آن را اسقاط کند. مانند حق رای و مشارکت در انتخابات و یا حق دادخواهی و یا مراجعه به دادگاه‌های صالح، امر به معروف و نهی از منکر در رابطه مردم با زمامداران یک حق است چون حق حاکمیت بر سرنوشت و حق تعیین حاکم و حق نظارت بر او و حق سوال از زمامداران، حق مردم است و مردم در برابر زمامداران حق دارند سوال کنند و توضیح بخواهند و در صورت تخطی از وظایف قانونی خویش با توسل به ابزارهای قانونی برکنار کنند و یا حتی مجازات کنند و حقی که کسی توان ساقط کردن آنرا ندارد حقی که خدای سبحان به انسان اعطا فرموده و او را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است از آنجایی که زمامداران در برابر مردم تکلیف و مسئولیت دارند نقطه مقابل تکلیف، حق است که مردم بر زمامداران دارند. نظارت مردمی در نظام‌های مردم‌سالار غیر دینی به عنوان حق برای شهروندان در نظر گرفته می‌شود.

اما امر به معروف و نهی از منکر مردم در برابر خدا، یک تکلیف است چون تکلیف است حق ترک آنرا ندارند. بنابراین نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند و یا در اجرای آن تساهل و تسامح به خرج دهند. قانون اساسی با تکلیف دانستن نظارت مردمی گام بلندی در ایجاد حساسیت میان مردم نسبت به این امر برداشته است زیرا انجام ندادن این وظیفه برای شخص وظیفه آور است. ارتقا جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از حق به تکلیف موجب می‌گردد که هیچ شهروندی نتواند از آن چشم‌پوشی کند و به بهانه اسقاط حق آن را وا گذارد. هر چند بین حق یا تکلیف بودن امر به معروف و نهی از منکر، نیاز به اندیشه ورزی بیشتری است.

۲-۵-۲. عمومیت امر و نهی کنندگان

گرچه از نظر شرعی، این وظیفه متوجه مسلمانان است. ولی چون قانون‌گذار آن را همگانی دانسته است به فرد، جریان یا گروه یا دین خاصی تعلق ندارد و همه اشخاص حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد. اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، اعضای گروه‌های صنفی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همانند عموم مردم مخاطب قانون اساسی در انجام این وظیفه هستند. به سخن دیگر قانون‌گذار در صدد بوده که از همه ظرفیت‌های جامعه برای سالم‌سازی آن بهره‌گیرد. بدین ترتیب این نظارت عمومی که گاه حالت انتقاد به دولت و دولتمردان به خود می‌گیرد شامل اقلیت‌های دینی و سیاسی هم می‌شود. در این باب تمیز دو نکته بسیار حایز اهمیت است دو نکته بنیادی که موثر در مباحث آتی این رساله است.

نکته اول: چون بحث این پژوهش، نظارت مردم نسبت به دولت است نمی توان قلمرو گناه یا معصیت را به گناهان شرعی مثل غیبت و روزه خواری و ترک نماز و کشف حجاب و غیره محصور و محدود نمود در اینجا منظور از گناه، گناه صرفاً شرعی نیست بلکه نافرمانی از وظایف و تکالیف تعریف شده عرفی و قانونی و حتی اخلاقی همانند تندخویی با ارباب رجوع، تساهل و کاهلی در انجام تکالیف قانونی و بی اعتنایی به درخواست های مردم نیز مشمول گناه می باشد که محقق بدرستی یا نادرستی اسم آنرا « گناه عرفی و مدنی» می نامد یعنی تخطی هر یک از اجزای حاکمیت و کارگزاران (از صدر تا ذیل) در برابر مردم و ارباب رجوع، معصیت به مفهوم نافرمانی و عصیان در برابر حق تلقی می شود بدین معنا که دریافت پاسخ درست و به موقع از سوی مردم و ارباب رجوع، حق است و پاسخگویی و انجام آن از سوی هر کارگزاری تکلیف محسوب می شود ترک چنین تکلیفی از سوی کارگزاران دولت، نافرمانی و معصیت است. از این منظر مبنای مشروعیت نظام و حکومت، مردم است در این مفهوم حاکمیت حق خدادادی مردم است که او مردم را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته که برای انجام تکالیف به کارگزاران سپرده شده است.

نکته دوم: چون بحث این رساله، نظارت مردم نسبت به دولت و ناظر بر شق سوم از اصل هشتم قانون اساسی است و نبایستی قلمرو نارضایتی قلبی از گناه یا منکر دولتمردان را محدود به مسلمانان دانست این نارضایتی شامل همه شهروندان جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان می گردد چون به حکم قانون اساسی که پیمان جمعی شهروندان با یکدیگر و دولت است غیرمسلمانان نیز از حق شهروندی نظارت بر اجزای دولت برخوردارند و پیمان جمعی به حکم قرآن (اوفوا بالعقود) فیما بین، غیرمسلمانان را از داشتن این حق منع نموده است و حکم قانون اساسی ناظر به ایرانیان داخل و خارج می باشد.

با رعایت این دو ضرورت بنیادی، وقتی از یک کارگزار یا دولتمردی رفتار ناشایستی رخ می دهد فرد اعم از مسلمان و غیرمسلمان بایستی نه تنها قلباً از آن ناخشنود باشند بلکه بنوعی ناخرسندی خویش را هم ابراز و اظهار کنند تا جامعه در مسیر اصلاح قرار گیرد.

۲-۵-۳. عمومیت امر و نهی شوندگان

لازم است دولت و همه ارکان و مقامات دولتی پذیرای نظارت عمومی شهروندان باشند. مفهوم دولت شامل همه مقامات کشور می شود و مقام رهبری و ولایت امر نیز از این امر مستثنی نیست، از لحاظ شرعی نیز قلمرو نظارت نیز شامل حاکم اسلامی می شود. مجلس خبرگان رهبری بموجب اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی آنرا بر عهده دارد « هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یک صد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد.

تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یک صد و هشتم می باشد.»
تشخیص شقوق یاد شده بر عهده مجلس خبرگان رهبری است که منتخب و نمایندگان مردم هستند لازمه تشخیص ناتوان بودن رهبری یا فقدان شرایط رهبری جزء لاینفک نظارت می باشد.

در باب قلمرو نظارت بر رهبری اختلاف نظراتی وجود دارد. برخی بر این باورند که نهاد رهبری و ولایت فقیهه بلحاظ تقدسی که بر آن حاکم است نظارت بردار نیست در مقابل برخی معتقدند نهاد ولایت فقیهه و رهبری نظارت بردارند اما صاحبان این دیدگاه خود بر چند دسته تقسیم می شوند دسته ای از اینها معتقدند این نظارت فقط بر شرایط رهبری حاکم است نه عملکرد او بدین معنا که تا زمانی که رهبری از شرایط رهبری در قانون اساسی برخوردار می باشد ایشان بر زعامت و رهبری خویش ادامه خواهد داد خبرگان رهبری تنها و تنها وظیفه اش این است که بر شرایط رهبری نظارت کند که ایشان شرایط رهبری را از دست ندهد. دسته دیگر بر این اعتقاد می باشند که این نظارت فقط بر بقای شرایط نیست. نظارت بر عملکرد هم هست یعنی در حوزه نظامی، حوزه سیاسی، حوزه اقتصادی، و نهادهای تحت امر رهبری و شخص رهبری نیز مشمول نظارت می باشند. و هیات تحقیق مرکب از ۷ نفر از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری برای مدت ۲ سال با رای مخفی برای این منظور انتخاب می شوند که بایستی فراغت کافی برای انجام وظایف محوله داشته باشند و از بستگان نزدیک به رهبری نباشند و شاغل سمت های اجرایی و قضایی از جانب مقام رهبری نبوده باشند.

۲-۶. عمومیت مصداق های امر و نهی

نظارت مردم نسبت به دولت و مقامات دولتی و نیز نسبت به قوانین و مقررات، عام و شامل همه موارد است. بر اساس بند هشتم اصل سوم قانون اساسی دولت ملزم به زمینه سازی همه جانبه برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است این امر نشان می دهد که نظارت بر دولت در قلمرو بسیار گسترده ای مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است و حضور مردم در صحنه های گوناگون و حق مردم برای اظهار نظر هم نسبت به عملکرد دولتمردان و هم نسبت به قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده است. اصل هشتم قانون اساسی نیز این موارد را محدود به موارد خاص نکرد است. بدین ترتیب، اموری چون مفاسد اقتصادی و مالی، مفاسد اخلاقی، عدم رعایت اخلاقیات، رعایت نکردن شئون اسلامی، رعایت نکردن انضباط اداری، رعایت نکردن وجدان کاری، حیف و میل بیت المال، تجمل گرایی، ناتوانی در انجام مسئولیت، بی توجهی به اصول و کرامت انسانی و هر معروفی که از سوی دولتمردان ترک شده و یا منکری که از سوی آنها صورت پذیرد مشمول امر و نهی مردم خواهد بود.

۲-۷. همسویی قانون با شرع در نظارت همگانی

از آن جایی که آیه ۷۱ سوره توبه مستند این اصل قرار گرفته است روشن است که این تاسیس حقوقی، خاستگاه دینی دارد و قانون اساسی همان نظارت عمومی مورد توجه شرع را به رسمیت شناخته و آن را مدل مناسب، بلکه لازمی برای سالم سازی محیط جامعه تشخیص داده است. با توجه به مراتب یاد شده شهروندان هم حق و هم وظیفه دارند، چه در مرحله کسب قدرت و چه در مرحله اعمال قدرت، در صورت مشاهده ترک معروف و یا انجام منکر از سوی مقامات با رعایت شرایط و مراحل، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کنند. یکی از جلوه‌های این مشارکت که دولت به موجب آن باید از آن استقبال کند امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت و مردم است.

نتیجه گیری

در نظام سیاسی اسلام مهمترین عرصه نظارت، نظارت بر حاکمان است زیرا آثار زیان بار ناشی از ترک آن به مراتب از آثار ترک نظارت مردم بر مردم بیشتر است. بدیهی است اگر دولت را مسئول نظم عمومی بدانیم نظارت دولت نسبت به مردم اهم از شقوق دیگر نظارت می باشد. از نظر قانونی، نظارت بر دولت و دولتمردان تکلیف همه شهروندان بوده و همه موظف اند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را هم نسبت به کارگزاران و هم نسبت به قوانین و مقررات در صورتی که موجب تضییع حق مردم باشد انجام دهند. این آموزه ها بایستی توأم با تبیین دقیق مرزهای نظری و عملی آن باشد تا بتواند کارکردی بسیار مفید و مثمر ثمر به دنبال داشته باشد.

در اسلام و جمهوری اسلامی مسئول بودن مقامات دولت، امانتی بودن قدرت، خطا پذیری و عدم عصمت و پذیرش جمهوریت، دلایل نظارت بر قدرت، می باشند. این نظارت هیچ گونه محدودیتی در زمینه مقامات دولتی و حکومتی را نمی پذیرد، حاکم و والی و مسلمانان با همه جایگاه والایی که دارند از این نظارت مستثنی نیست.

از کارکردهای مهم امر به معروف و نهی از منکر فراهم سازی زمینه عمل به هنجارها و تقویت هنجارهای مورد نظر جامعه اسلامی و عمل به نیکی ها است؛ وقتی اعضای اجتماع مراقب هم بوده و یکدیگر را سفارش به حق و نیکی نمایند و از بدی و زشتی باز می دارند، این خود به تدریج زمینه نهادینه شدن و رسوخ نیکی ها در روح و روان افراد را فراهم می آورد، به خصوص اگر آن چنان که باید و شاید به این فریضه عمل شود و آداب و سنن آن (که علاوه بر عمل کردن امر به مفاد آنچه امر می کند و دست کشیدن از آنچه خود از آن نهی می کند، شامل تکنیک های روان شناختی و جامعه شناختی دقیقی است که در شکل تعامل و کنش امر ظاهر می گردد) رعایت شود. آن چه از عمل به این فریضه به دست می آید نیروی عظیمی است که پشتوانه اجتماعی دارد و می تواند بسیاری از هنجارها را در ذهن و روان افراد درونی سازد و از

این طریق راه عمل به دیگر تکالیف انسانی را فراهم آورد. گسترش و تعمیق این فریضه ی الهی در حقیقت نیازمند یک عزم ملی و همگانی و سعه صدر حاکمان است زمامداران بایستی بپذیرند که قدرت خویش را از مردم گرفته اند و صاحبان حق مردم هستند وقتی مطالبه گری کردند درشت گویی تلقی نگردد چنان چه در سوره ی لقمان آیه ی ۱۷ می فرماید: یا بُنَّیَّ اَقِمْ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ. براساس این آیه کریمه الهی، در راه اجرای این فریضه، باید سختی ها و مصایب را تحمل کرد و صبر پیشه نمود. عزم الامور به کارهایی گفته می شود که باید روی آن تصمیم و عزم داشت، اما در بعضی از کارها باید از قبل درباره آن فکر و مشورت کرد و سپس تصمیم گرفت. اگر کاری مهم و اجتماعی باشد و بدون هماهنگی مستمر همگان حاصل نشود، می گویند این کار عزم ملی می طلبد، و امر به معروف و نهی از منکر، امری ملی، مصمم و جزمی است که با عزم همه مردم همراه است.

امر به معروف و نهی از منکر بعنوان یکی از احکام اجتماعی دین اسلام است که بنحو کفایی برآحاد جامعه، واجب گردیده است و مبنای پیشگیری و پذیرش این فریضه در شرع مقدس اسلام، ایجاد احساس مسئولیت عمومی و نظارت همگانی، بمنظور حسن اجرای موازین شرعی و جلوگیری از شیوع فساد در جامعه و اصلاح امور است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. آذرنگ، ندا و پیروزی، عبدالله (۱۳۹۶)؛ بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی و مبانی نظری آن از دیدگاه امام خمینی، پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی موسسه تنظیم و نشر و آثار امام خمینی.
 ۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)؛ شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
 ۳. فیض، علیرضا (۱۳۷۰)؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
 ۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳)؛ تفسیر المیزان، جلد بیستم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، انتشارات ناصر خسرو؛ چاپ پنجم.
 ۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰)؛ فقه سیاسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)؛ عدالت توافقی در اسلام در کتاب درآمدی به نظم سیاسی عدالت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
 ۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹)؛ مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
 ۹. فاتحی، ابوالقاسم و ابوالقاسمی محمد جواد (۱۳۹۱)؛ فصلنامه معرفت سیاسی، شماره ۲۵۲.
 ۱۰. کاظم زاده، علی (۱۳۹۶)؛ حدود و مراحل امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس البرز.
 ۱۱. کدیور، محسن (۱۳۷۷)؛ حقوق سیاسی مردم در اسلام، فصلنامه گفتمان، سال اول، شماره دوم.
 ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)؛ الکافی، جلد دوم و پنجم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
 ۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴)؛ تفسیر نمونه، جلد بیست و چهارم، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۴. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۵)؛ حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: انتشارات میزان.